



تحلیل فلسفی بازتعریف هویت و چالش‌های اجتماعی کودکان:

مطالعه موردی: کتاب من پلنگی سوورپتی نیم

هیوا حسن پور^۱ (نویسنده مسئول)

آرش مهربان^۲

(مقاله پژوهشی)

تاریخ دریافت: ۱۱ اسفند ۱۴۰۳، تاریخ پذیرش: ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، صص. ۲۱-۱

DOI: [10.22034/jokl.2025.143228.1422](https://doi.org/10.22034/jokl.2025.143228.1422)

چکیده

مفهوم هویت و بازتعریف خود از موضوعات مهم در روان‌شناسی و فلسفه کودکان است و نقش اساسی در رشد خودآگاهی و پذیرش اجتماعی آن‌ها دارد. این پژوهش با بررسی فلسفی هویت در کودکان نشان می‌دهد که داستان می‌تواند ابزار مفیدی برای تفکر انتقادی باشد. داستان من پلنگی سوورپتی نیم روایتگر پلنگی است که از ظاهر و هویت خود ناراضی است و می‌کوشد با تغییر رنگ، هویتی جدید بیابد؛ اما جامعه همچنان او را با همان هویت پیشین، شناسایی و قضاوت می‌کند. پژوهش حاضر، ابتدا به تحلیل مفاهیم هویت شخصی و اجتماعی از دیدگاه کودکان می‌پردازد و چالش‌هایی را بررسی می‌کند که این شخصیت در پذیرش خود و در برابر انتظارات و هنجارهای فرهنگی تجربه می‌کند. سپس، اثرات روان‌شناختی و هستی‌شناختی ناشی از برجسب‌های اجتماعی و هویت‌های تحمیلی بر کودکان را بررسی و بر نقش آموزش فلسفه در تقویت خودآگاهی و توانمندسازی آن‌ها برای پذیرش هویت واقعی خود تأکید می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که فلسفه برای کودکان می‌تواند ابزاری مؤثر برای پرورش تفکر انتقادی، تقویت خودپذیری و مقاومت‌سازی کودکان در برابر فشارهای اجتماعی باشد. این پژوهش تأکید می‌کند که آموزش فلسفه به کودکان می‌تواند در درک عمیق‌تر از خود، چالش با برجسب‌های اجتماعی و توانایی پذیرش خود اصیل آن‌ها کمک شایانی کند و به گسترش هویت پایدار و انعطاف‌پذیر در برابر هنجارهای تحمیلی بینجامد.

واژگان کلیدی: کودک، فلسفه، هویت، ادبیات کودک،

من پلنگی سوورپتی نیم

کورتیه

چشمی شناس و پتانسه‌کردن‌دهی خؤ له بایه‌ته گرینگه‌کانی درووناسی و فلسفه‌فی مندلانه و رۆژیک بنچینه‌ی له گه‌شه‌دانی خودناگایی و ورگرتنی کۆمه‌لاییتی مندلانا همه. نهم توژی‌نوییه به لیکه‌نوییه فلسفه‌فی شناس له مندلانا پیشانی ئه‌دا که چیرۆک نعتوانی نامرازنی به‌سوود بۆ تیفکرینی رهنه‌کارانه یی. چیرۆکی من پلنگی سوورپتی نیم گیرانه‌ی پلنگیکه که له رواله‌ت و شناسی خۆی نارازیه و تهنه‌کۆشی به گۆرینی رهنه‌کده‌ی، شناسیکی نوی بگری؛ به‌لام کۆمه‌لگا همر به شناسی پیشویه ده‌ناسیتوره و هه‌لمسه‌نگینه‌ت نهم توژی‌نوییه، له به‌را چشمی شناسی تاک و کۆمه‌لگا له روانگی مندلانه‌وه لیکه‌نانه‌وه و له‌و نال‌گاریانه نه‌کۆلێتیه که نهم کاره‌کته‌ره له پێژاندنی خۆی و له‌به‌رانهر جاوروانی و به‌ها فره‌نگیه‌کان نه‌زمونی کردوه. پاشان له لیکه‌وته درووناسانه و بووناسانه‌کانی هه‌لقولا له مۆرکه کۆمه‌لاییتی و شناسه داسه‌پێتروکان به‌سه‌ر مندلانا ده‌کۆلێتیه و له‌سه‌ر رۆژی فیزکاری فلسفه‌فه له پتورکردنی خودناگایی و تواناسازیان بۆ ورگرتنی شناسی پراسته‌قینه جه‌خت ده‌کاته‌وه. نه‌جامه‌کان پیشانی ده‌دن که فلسفه‌فه ده‌توانیت نامرازنی کاریکه‌ر بۆ په‌روه‌ده‌ی تیفکرینی رهنه‌گرانه و به‌هێزکردنی خودپێژاندن له به‌رانهر گوشاری کۆمه‌لاییتی یی. نهم توژی‌نوییه پێناگره که فیزکاری فلسفه‌فه به مندلانا ده‌کارت له تیگیشتنی قوولتر له خود، نال‌گاری له‌به‌رانهر مۆرکه کۆمه‌لاییتی‌یه‌کان و توانایی ورگرتنی خودی رهنه‌بێناندا یارمه‌تیه‌کی باشیان بدات و په‌ره به شناسی جیگیر و خۆگونجین له به‌رانهر به‌ها و تۆرپه داسه‌پێتروکانا بدات.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: مندل، فلسفه‌فه، ناسنامه، نه‌ده‌یی

مندالان، من پلنگی سوورپتی نیم

۱- مقدمه

هویت و مفهوم بازتعریف خود، یکی از چالش‌های اساسی در رشد فردی و اجتماعی کودکان است. این موضوع در عصر حاضر که با فشارهای فرهنگی و اجتماعی متعددی همراه است، اهمیتی دوچندان یافته است. از آنجا که کودکان در مراحل ابتدایی زندگی خود با نیاز به شناخت و پذیرش خویشتن مواجه‌اند، شناخت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت و بررسی چگونگی تعامل آنان با برچسب‌های اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ادبیات کودک و نوجوان به عنوان یکی از انواع مهم ادبیات و به عنوان یک ابزار فرهنگی، می‌تواند زمینه‌ای برای درک این چالش‌ها فراهم آورد (مهربان، عرب یوسف‌آبادی، ۱۴۰۲: ۸۸). داستان‌های فلسفی، با طرح مفاهیمی چون هویت شخصی و اجتماعی و تقابل آن‌ها، می‌توانند درک کودکان از خود و جایگاهشان را در جهان پیرامون تقویت کنند (Erikson, 1968: 93; Tajfel, 1981: 42).

این مقاله به تحلیل فلسفی داستان من پلنگی سوررئالیستی نیم می‌پردازد؛ اثری که تلاش یک شخصیت برای عبور از هویت تحمیلی و یافتن خود واقعی‌اش را روایت می‌کند. در این داستان، تناقض میان هویت فردی و اجتماعی و چالش‌های ناشی از برچسب‌های فرهنگی و اجتماعی به خوبی به تصویر کشیده شده است. همچنین، تأثیرات منفی این برچسب‌ها بر خودپنداره و اعتماد به نفس کودکان و اهمیت آموزش تفکر انتقادی برای مواجهه با این فشارها مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر با تأکید بر نقش آموزش فلسفه برای کودکان، نشان می‌دهد که این رویکرد می‌تواند ابزار مؤثری برای تقویت خودآگاهی و پذیرش هویت واقعی آن‌ها باشد.

در این پژوهش، به بررسی مفاهیم بنیادین هویت و خودپنداره در کودکان از منظر فلسفه برای کودکان (P4C) پرداخته می‌شود. هدف اصلی، واکاوی چالش‌های فلسفی و روان‌شناختی مرتبط با هویت شخصی و اجتماعی در کودکان و تحلیل تأثیر برچسب‌های هویتی و هنجارهای اجتماعی بر شکل‌گیری خودپنداره است. همچنین، از رهگذر تحلیل داستان من پلنگی سوررئالیستی نیم، تلاش می‌شود با ارائه درکی عمیق‌تر از ارتباط مفاهیم فلسفی و تجربیات زیسته کودکان، پاسخ‌هایی برای پرسش‌های پژوهش ارائه شود. چگونه فلسفه برای کودکان می‌تواند به درکی عمیق‌تر از هویت شخصی و اجتماعی کمک کرده و آنان را به تفکر انتقادی درباره مفهوم «خود» در تعاملات اجتماعی ترغیب کند؟ برچسب‌های هویتی و هنجارهای اجتماعی چگونه بر خودپنداره و فرآیند پذیرش خویشتن در کودکان تأثیر می‌گذارند و چه پیامدهای روان‌شناختی و هستی‌شناختی‌ای را در پی دارند؟ داستان من پلنگی سوررئالیستی نیم چگونه تضاد میان هویت شخصی و هویت تحمیلی جامعه را به تصویر کشیده و از منظر فلسفی چه مفاهیمی از این روایت قابل استخراج است که به تحلیل هویت در کودکان کمک می‌کند؟ این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای فلسفی انجام شده است. این روش به دلیل ظرفیت آن در بررسی عمیق و چندلایه مفاهیم پیچیده‌ای همچون هویت و خودپنداره

در کودکان، انتخاب شده است. تحلیل محتوای فلسفی به‌طور ویژه برای مطالعه مفاهیم انتزاعی و چندبعدی مناسب بوده و امکان تفسیر دقیق‌تر ابعاد مفهومی و وجودی این موضوعات را فراهم می‌سازد (Creswell, 2013: 27). در این پژوهش، داستان من پلنگی سوررئالیستی نیم به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. این اثر به دلیل بازتعریف هویت شخصیت اصلی در تقابل با برجسب‌های اجتماعی، بستری غنی برای بررسی چالش‌های فلسفی مرتبط با هویت فراهم می‌کند. در مرحله اول، تحلیل محتوای فلسفی برای استخراج مفاهیم کلیدی داستان و ارتباط آن‌ها با پرسش‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفته و در ادامه، تحلیل تفسیری با تکیه بر نظریات فلسفی و روان‌شناختی هویت و خودآگاهی انجام شده است. از جمله، مفاهیم اریکسون درباره هویت شخصی و اجتماعی (Erikson, 1968:95) و دیدگاه‌های تاجفل^۱ درباره برجسب‌گذاری اجتماعی (Tajfel, 1981:78) برای تبیین مفاهیم مرتبط به کار گرفته شده‌اند. نتایج پژوهش در نهایت، راهکارهایی برای تقویت خودآگاهی کودکان و بازتعریف هویت آنان در برابر فشارهای اجتماعی ارائه می‌کند. این مطالعه با استفاده از مفاهیم فلسفی و روان‌شناختی همچون نظریات اریکسون و تاجفل، چگونگی شکل‌گیری هویت شخصی و اجتماعی را در کودکان بررسی کرده و نشان می‌دهد که چگونه فلسفه می‌تواند به کودکان در تفکر انتقادی و بازاندیشی هویت خود کمک کند.

۱-۲- پیشینه پژوهش

یکی از آثار پایه در این زمینه، کتاب هویت: جوانی و بحران از اریک اریکسون (۱۹۶۸) است که در آن مراحل مختلف هویت‌یابی در دوران کودکی و نوجوانی و چالش‌های موجود در این مسیر به تفصیل، تحلیل شده است. این نظریه به ویژه بر اهمیت تعاملات اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر رشد خودپنداره کودکان تأکید دارد و ابزار مؤثری برای درک ساختار هویتی در کودکان به شمار می‌آید. در ادامه، کتاب خودشناسی در دوران کودکی و نوجوانی اثر ویلیام دیمن^۲ و دنیس هارت^۳ (۱۹۸۸)، به بررسی روند خودآگاهی و چگونگی شکل‌گیری هویت در کودکان پرداخته و نقش تعاملات اجتماعی را در این فرآیند، مهم تلقی می‌کند. این پژوهش به تحلیل فرایند خودپنداره و چالش‌های پذیرش خود در میان کودکان کمک شایانی کرده است. کتاب متیو لیپمن^۴ با عنوان کودکان به تفکر نیاز دارند: فلسفه برای کودکان (۱۹۸۰) نیز به نقش آموزش فلسفه در تقویت تفکر انتقادی و هویت‌یابی در کودکان پرداخته است. لیپمن، اهمیت فلسفه را به عنوان ابزاری برای درک عمیق‌تر هویت شخصی و اجتماعی کودکان مورد تأکید قرار داده و نشان داده است که چگونه می‌توان از این ابزار برای تقویت توانایی

-
1. Tajfel.
 2. William Damon.
 3. Dennis Hart.
 4. Matthew Lipman.

کودکان در بازان‌دیشی هویتی بهره گرفت. از میان پژوهش‌های نوین، مطالعه اسمیت^۱ و همکاران (۲۰۲۰) با عنوان نقش برجسب‌های اجتماعی و انتظارات فرهنگی در شکل‌گیری هویت کودکان به بررسی تأثیر برجسب‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی بر هویت کودکان پرداخته و نشان داده است که فشارهای اجتماعی می‌توانند هویت‌ها و برجسب‌های خاصی را به کودکان تحمیل کنند که این امر بر خودپنداره آنان تأثیرگذار است. همچنین پژوهش جانسون^۲ و مارتینز^۳ (۲۰۲۱) با عنوان اهمیت آموزش فلسفه در کمک به کودکان در بازان‌دیشی هویت شخصی و پذیرش خود، مباحثی مطرح کرده و نشان داده است که آموزش فلسفه می‌تواند تأثیر آموزش فلسفه بر توسعه خودآگاهی و هویت در کودکان، مقاومت کودکان را در برابر برجسب‌های اجتماعی تقویت کند. مقاله تایلر^۴ و گارسیا^۵ (۲۰۲۲) تحت عنوان «هویت‌یابی و پذیرش خود: چالش‌های اجتماعی در مسیر رشد کودکان» نیز به تحلیل تأثیر فشارهای اجتماعی بر فرآیند هویت‌یابی کودکان پرداخته و چگونگی تعامل آنان با هویت‌های تحمیلی جامعه را بررسی کرده است.

در زبان فارسی، برخی از پژوهش‌ها در زمینه فلسفه برای کودکان صورت گرفته است. فائدی و سلطانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «فلسفه ویتگنشتاین و برنامه فلسفه برای کودکان (P4C)» به بررسی مؤلفه‌های اندیشه ویتگنشتاین دوم که دارای جایگاه نظری در برنامه فلسفه برای کودکان است، پرداخته‌اند. همچنین نوروزی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به تحلیل محتوای کتب اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس معیارهای برنامه آموزش فلسفه به کودکان با رویکرد چندفرهنگی پرداخته و نشان داده‌اند که چگونه فلسفه برای کودکان می‌تواند به تحلیل فرهنگی و افزایش تنوع‌پذیری کودکان کمک کند. از طریق مرور منابع مختلف می‌توان مشاهده کرد که در زمینه هویت، خودپنداره و تأثیرات اجتماعی بر کودکان، پژوهش‌های متعددی انجام شده است که هر کدام از جنبه‌ای خاص به تحلیل این مفاهیم پرداخته‌اند. نظریات اریکسون (۱۹۶۸) در مورد هویت و بحران جوانی، دیمون و هارت (۱۹۸۸) در زمینه خودشناسی در دوران کودکی، و لیپمن (۱۹۸۰) در زمینه فلسفه برای کودکان، همگی بر اهمیت فرآیند هویت‌یابی در دوران کودکی و نوجوانی تأکید دارند. این آثار به وضوح نشان می‌دهند که هویت نه تنها به عنوان یک ویژگی فردی، بلکه تحت تأثیر عمیق تعاملات اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد و کودکان در این فرآیند با چالش‌هایی در پذیرش هویت خود روبه‌رو هستند.

مطالعات اخیر مانند پژوهش‌های اسمیت و همکاران (۲۰۲۰) و جانسون و مارتینز (۲۰۲۱) نیز بر تأثیر برجسب‌ها و انتظارات اجتماعی بر خودپنداره کودکان تأکید دارند و نشان می‌دهند که فلسفه

-
1. Smith.
 2. Johnson.
 3. Martínez.
 4. Tyler.
 5. Garcia.

می‌تواند به کودکان کمک کند تا این برجسب‌ها را نقد و هویت شخصی خود را بازتعریف کنند. همچنین پژوهش‌های زبان فارسی نظیر پژوهش‌های قائدی و سلطانی (۱۳۹۰) و نوروزی و همکاران (۱۴۰۲) به‌ویژه در زمینه فلسفه برای کودکان، نشان داده‌اند که آموزش فلسفه می‌تواند به‌طور مؤثر به تقویت تفکر انتقادی و خودآگاهی کودکان در مواجهه با فشارهای اجتماعی کمک کند. همچنین قرائی و شب‌انگیز (۱۴۰۱) در پژوهش «رویکردی فرهنگی به هویت در ترجمه ادبیات نوجوان: مطالعه موردی رمان خورشید هم یک ستاره است» به بررسی ترجمه‌های یک رمان نوجوان از منظر مؤلفه‌های هویت فرهنگی پرداخته‌اند. مطالعه حاضر در این زمینه به تحلیل هویت کودکان از طریق داستان من پلنگی سوررئالی نیم پرداخته است. در کنار این موارد می‌توان به برخی پژوهش‌های دیگر مانند: «خوانش تطبیقی بازتاب هویت در رمان نوجوان عربی و فارسی بر اساس نظریه اریک اریکسون» و «واکاوی انواع هویت در داستان‌های نوجوانان بر اساس نظریه اجتماعی اریکسون» اشاره کرد که هر چند بر اساس نظریه اریکسون نوشته شده‌اند اما محدوده پژوهش آن‌ها با این پژوهش متفاوت است.

نکته مهم پژوهش در مقایسه با پیشینه پژوهش‌ها این است که برخلاف اغلب مطالعاتی که بر تعاملات اجتماعی و تأثیرات آن بر خودپنداره تأکید دارند، این پژوهش به‌طور خاص به تحلیل فلسفی چالش‌های هویتی کودکان در بستر ادبیات کودک پرداخته و از داستان به عنوان ابزاری برای بررسی این چالش‌ها استفاده کرده است. در واقع، داستان من پلنگی سوررئالی نیم نشان‌دهنده تقابل میان هویت شخصی و هویت تحمیلی جامعه است و از این منظر، به تفصیل، به تحلیل فلسفی پذیرش و بازتعریف هویت در کودکان پرداخته است.

۲- چهارچوب نظری پژوهش

فلسفه برای کودک، به‌عنوان شاخه‌ای نوین در فلسفه آموزشی، به‌طور فزاینده‌ای در آموزش و پرورش مدرن مورد توجه قرار گرفته است. «این حوزه به دنبال ایجاد فضایی است که در آن کودکان با مفاهیم پیچیده‌ای چون هویت، خودآگاهی و برجسب‌های اجتماعی از طریق روش‌های فلسفی مواجه می‌شوند» (Lipman, 2003: 15). «فیلسوفان و روانشناسان بر این باورند که آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند تفکر انتقادی و خودآگاهی را در آن‌ها تقویت کرده و به‌ویژه به آن‌ها کمک کند تا درکی عمیق‌تر و انعطاف‌پذیرتر از هویت خود و جایگاهشان در جهان پیرامون به دست آورند» (Baggini, 2004: 51).

یکی از مفاهیم بنیادی در فلسفه برای کودک، هویت شخصی و اجتماعی است. «هویت شخصی دربرگیرنده تمامی ویژگی‌ها و تجارب فرد است که به او حس ثبات و پیوستگی در طول زمان می‌دهد» (Erikson, 1968: 93). درحالی‌که «هویت اجتماعی بر اساس ارزش‌ها، باورها و انتظارات اجتماعی شکل می‌گیرد که دیگران نسبت به فرد دارند و او را با ویژگی‌های خاص برجسب‌گذاری می‌کنند» (Tajfel, 1981: 42). «این دو سطح از هویت، در تعامل با یکدیگر به کودکان کمک می‌کنند تا به

درک بهتری از خود برسند و نقشی مؤثر در اجتماع ایفا کنند» (Ferguson & Philip, 2011: 89). در این زمینه، داستان‌های فلسفی می‌توانند به‌عنوان ابزاری ارزشمند در فهم و پردازش هویت و چالش‌های آن برای کودکان به کار روند و «به خوبی مسائلی چون تعارض بین هویت شخصی و اجتماعی و همچنین تأثیر برجسب‌های فرهنگی و اجتماعی بر هویت فردی کودکان را برجسته کنند» (Bagley & Verma, 1979: 103). «مسائل مرتبط با برجسب‌گذاری اجتماعی و هنجارهای تحمیلی، از دیدگاه فلسفی، تأثیرات قابل‌توجهی بر خودپنداره و اعتماد به نفس کودکان دارند و می‌توانند مانع از تحقق کامل خود واقعی آن‌ها شوند» (Ricoeur, 1992: 119).

از دیدگاه روانشناختی، فرآیند پذیرش و بازتعریف هویت در کودکان، نیازمند آن است که آن‌ها بتوانند از تفکر انتقادی بهره‌گیرند و به‌گونه‌ای منعطف به ارزیابی خود و محیط پیرامون بپردازند (Berk, 2006: 158). در همین راستا، «پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فلسفه برای کودک می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند در رشد این مهارت‌ها به کار رود و به آن‌ها در تفکر مستقل و مقاومت در برابر برجسب‌های هویتی کمک کند» (Gorard et al, 2004: 65). دو مفهوم هویت و فلسفه، نقشی اساسی در شکل‌گیری خودپنداره و هویت اجتماعی کودکان ایفا می‌کنند.

هویت، به‌عنوان ساختاری پیچیده، شامل ابعاد شخصی و اجتماعی است و به چگونگی شناخت فرد از خود و ارتباط او با جامعه و فرهنگ پیرامون اشاره دارد. در دوران کودکی و نوجوانی، این هویت در تعامل با محیط اجتماعی و نهادهای فرهنگی شکل می‌گیرد و همچنین تحت تأثیر برجسب‌ها و هنجارهای اجتماعی قرار می‌گیرد. «طبق نظریه اریکسون بحران‌های هویت، تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی است که درک کودکان از خود را شکل می‌دهد» (۱۹۶۸: ۳۲). بر اساس دیدگاه او، کودکان و نوجوانان در مواجهه با بحران‌های هویتی، در جست‌وجوی پایداری هویت شخصی خویش هستند و عوامل اجتماعی و فرهنگی به شدت بر این فرآیند تأثیر گذارند.

این نظریه، دیدگاهی عمیق درباره چگونگی تعامل کودکان با انتظارات اجتماعی ارائه می‌دهد. افزون بر این، نظریه هویت اجتماعی تاجفل و ترنر «نیز به بررسی نقش گروه‌های اجتماعی و برجسب‌های فرهنگی در شکل‌گیری هویت فردی پرداخته و تأکید می‌کند که هنجارهای اجتماعی و برجسب‌های فرهنگی می‌توانند خودپنداره کودکان را به شدت تحت تأثیر قرار دهند و در مواردی منجر به بحران هویتی شوند» (۱۹۷۹: ۴۷). بامایستر «نیز بر این باور است که فشارهای اجتماعی و انتظارات فرهنگی، هویت‌های خاصی را به کودکان تحمیل می‌کند که در نهایت بر خودآگاهی و روابط اجتماعی آنان تأثیرگذار است» (۱۹۹۷: ۴۰۹). از این رو، برجسب‌ها و هنجارهای اجتماعی تنها ادراک فرد از خویش را شکل نمی‌دهند بلکه بر تعاملات اجتماعی او نیز اثر می‌گذارند.

در کنار این مباحث، مفهوم «فلسفه برای کودکان» به‌عنوان روشی برای تقویت تفکر انتقادی و خودآگاهی کودکان در این چارچوب نظری جایگاه ویژه‌ای دارد. «متیو لیپمن (۱۹۸۰) بر این باور است

که آموزش فلسفه به کودکان می‌تواند به آنان در دستیابی به درک عمیق‌تر از هویت شخصی و اجتماعی‌شان کمک کند» (همان: ۸۷). فلسفه برای کودکان به‌عنوان ابزاری مؤثر برای ترغیب کودکان به تفکر انتقادی و تأمل در هنجارهای اجتماعی شناخته می‌شود و می‌تواند در کمک به بازتعریف هویت شخصی و رشد خودآگاهی مؤثر باشد.

این نوع آموزش در دوران کودکی، فضایی را فراهم می‌کند که کودکان بتوانند با برچسب‌های اجتماعی و انتظارات فرهنگی مواجه شوند و این انتظارات را به چالش بکشند. به این ترتیب، فلسفه در کودکی نه تنها کودکان را به خودشناسی بیشتر تشویق می‌کند بلکه ابزاری برای مدیریت و مقابله با فشارهای اجتماعی فراهم می‌سازد و به آن‌ها کمک می‌کند تا هویت اصیل و پایداری برای خویش بیابند. در نتیجه، این چارچوب نظری، ارتباط میان هویت و فلسفه برای کودکان را به‌عنوان دو عنصر کلیدی در فرآیند شکل‌گیری خودپنداره و هویت اجتماعی برجسته می‌سازد و به توضیح چالش‌ها و فرصت‌های موجود در تقویت هویت کودکان و بازتعریف خویش‌ن آن‌ها در مواجهه با انتظارات اجتماعی می‌پردازد.

۳- بحث و بررسی

۳-۱- خلاصه و معرفی داستان

کتاب *من پلنگی سوورتمی نیم‌نوشته* زانیار درخشانی در سال ۱۴۰۰ و در ۱۶ صفحه به زبان کُردی منتشر شده است. این اثر در قالب داستانی ساده، به موضوع پیچیده هویت و خودشناسی پرداخته و شخصیت اصلی آن پلنگی صورتی است که از نام و رنگ خود ناراضی است و به دنبال هویتی جدید و مقبول در جامعه می‌گردد. داستان با روایتی ماهرانه، به چالش‌های فلسفی مرتبط با هویت اجتماعی و فردی پرداخته و نشان می‌دهد چگونه انتظارات اجتماعی و هنجارهای فرهنگی می‌توانند بر مفهوم خودپنداره افراد تأثیر بگذارند. در آغاز داستان، پلنگ صورتی با احساس عدم پذیرش هویت خود روبه‌روست؛ او که از برچسب پلنگ صورتی رنج می‌برد، تصمیم می‌گیرد رنگش را تغییر دهد و هویتی جدید بیابد. این جست‌وجو، او را به سمت تجربیات مختلفی هدایت می‌کند، جایی که رنگ‌های متنوعی را از زرد و نارنجی تا سبز و آبی امتحان می‌کند؛ اما در هر یک از این تغییرات، مردم همچنان او را به عنوان پلنگ صورتی می‌شناسند. این تناقض به خوبی نشان می‌دهد که تغییر ظاهر به تنهایی نمی‌تواند موجب تغییر هویت اجتماعی شود.

سیر داستان به گونه‌ای است که در نهایت، پلنگ صورتی به این درک می‌رسد که هویتش چیزی فراتر از رنگ اوست. این دریافت عمیق، نه تنها در سطح فردی بلکه در سطح اجتماعی، او را به سوی پذیرش واقعی خود و استقبال از هویت فردی‌اش هدایت می‌کند که بسیار ارزشمندتر از تلاش برای جلب تأیید دیگران است. این مرحله از خودشناسی، شهامت و استقامت او را در برابر انتظارات اجتماعی و هنجارهای فرهنگی به چالش می‌کشد. افزون بر این، داستان به طور ضمنی به موضوعات مرتبط با

هویت‌های تحمیلی و تأثیرات آن بر سلامت روانی نیز پرداخته است. پلنگ صورتی در طول داستان با چالش‌های متعددی مواجه می‌شود که نشان‌دهنده فشارهای اجتماعی ناشی از برچسب‌ها و هویت‌های انتسابی است. این فشارها نه تنها بر تفکر و رفتار او اثرگذار است، بلکه سوییۀ منفی به احساس ارزشمندی و خودپنداره او می‌دهند.

پیام اصلی داستان، این است که هویت فردی، مفهومی پیچیده و چندبعدی است و نمی‌توان آن را صرفاً بر اساس یک ویژگی ظاهری تعریف کرد. داستان من پلنگی سوررئتی نیم به ما یادآوری می‌کند که هویت را باید از درون جست‌وجو کنیم و به جای تغییر آن بر اساس انتظارات اجتماعی، به پذیرش و درک خود بپردازیم. این کتاب به عنوان یک اثر ادبی با بار فلسفی و روان‌شناختی، زمینه‌ای برای تفکر عمیق‌تر درباره هویت، خودشناسی و چالش‌های اجتماعی فراهم می‌آورد.

۳-۲- تلاش برای تغییر و جست‌وجوی هویت

هویت یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در تعریف خود و جایگاه فرد در جامعه است. شخصیت و هویت از مهم‌ترین تعاریفی هستند که نظریه‌پردازان به آن پرداخته‌اند (عبدلی، یوسف‌قام، خمه، ۱۴۰۳: ۱۳۹). در دوران کودکی، این مفهوم به صورت پویایی شکل می‌گیرد و تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی، از جمله تعاملات اجتماعی، برچسب‌های فرهنگی و انتظارات محیطی قرار دارد. کودکان، اغلب در مواجهه با فشارهای اجتماعی و هنجارهای تحمیلی تلاش می‌کنند هویت خود را بازتعریف کنند یا برای یافتن جایگاهی قابل قبول در جامعه به تغییر ظاهر یا رفتار خود روی آورند. داستان من پلنگی سوررئتی نیم نمونه‌ای برجسته از این تلاش‌ها را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که چگونه تغییرات سطحی نمی‌توانند بر انتظارات جامعه از فرد غلبه کنند. این بخش به تحلیل تلاش شخصیت اصلی داستان برای تغییر هویت و جست‌وجوی حقیقت خود در برابر برچسب‌های اجتماعی می‌پردازد. کتاب من پلنگی سوررئتی نیم روایتگر سفر یک پلنگ است که در جست‌وجوی هویت واقعی خود در میان انتظارات اجتماعی و فشارهای فرهنگی قرار دارد. این داستان به‌طور عمیق به چالش‌های فلسفی مرتبط با هویت شخصی و اجتماعی می‌پردازد. یکی از نکات کلیدی در این داستان، تمایل پلنگ به تغییر رنگ خود به زرد است:

پلنگی سوررئتی بوو به پلنگی زهره! کاتیک له بهر ئاوینه‌دا سهیری خوی کرد زۆر به لایه‌وه سهیر بوو! هه‌تا دوتینی بوو پلنگی سوررئتی بوو، به‌لام ئه‌مرو بوو به پلنگی زهره! (درخشانی، ۱۴۰۰: ۲).

ترجمه: پلنگ صورتی تبدیل شد به پلنگ زرد! وقتی جلوی آینه خودش را نگاه کرد خیلی تعجب کرد! تا دیروز پلنگ صورتی بود، ولی امروز به پلنگ زرد تبدیل شده بود.

این جمله بیانگر این است که او به دنبال تأیید اجتماعی و پذیرش از سوی دیگران است. این تغییر رنگ نه تنها نشانه‌ای از آرزوی او برای پذیرش در جامعه است، بلکه بیانگر چالش‌های عمیق فلسفی در پذیرش خود واقعی در برابر هنجارهای اجتماعی نیز به شمار می‌رود. علاوه بر این، پلنگ با احساساتی مانند عدم امنیت و سردرگمی نیز مواجه است. او در موقعیتی قرار می‌گیرد که دیگران او را به‌عنوان پلنگی سوورته‌تی می‌شناسند و این برچسب به او، احساس وابستگی به یک هویت تحمیلی می‌دهد. این وضعیت، زمانی به وضوح نمایان می‌شود که او در دیالوگی با دیگران می‌گوید:

زۆر سه‌یره !خۆ من ئیدی پلنگی سوورته‌تی نیم ئیستا پلنگی شینم! بۆچی ئەوان هەر پێم ده‌لێن پلنگی سوورته‌تی؟! (درخشانی، ۱۴۰۰: ۸).

ترجمه: خیلی عجیبه! من دیگر پلنگ صورتی نیستم، الان آبی هستم! چرا آنها باز هم به من می‌گویند پلنگ صورتی؟!

این جمله بیانگر کشمکش او در پذیرش هویت واقعی‌اش است. او در تلاش است تا خود را از برچسب‌هایی که جامعه به او نسبت داده است، رها کند؛ اما هم‌زمان احساس می‌کند که در این راه به فشارهای اجتماعی تن می‌دهد. به‌علاوه، داستان به چالش‌های فلسفی دیگری نیز اشاره دارد که در روند هویت‌یابی پلنگ وجود دارد. او در پی تغییر رنگ به زرد و سپس به سبز، به‌نوعی هویت خود را گم می‌کند و با سؤالات وجودی در مورد اینکه کیست و چگونه می‌خواهد دیده شود، مواجه می‌شود. این چالش در متن، زمانی به وضوح نشان داده می‌شود که پلنگ در برابر پرسش‌های دیگران دچار تردید می‌شود و این تردید به او اجازه نمی‌دهد تا خود را به‌عنوان فردی با هویت مستقل بپذیرد:

پلنگی زەرد رۆیشت بۆ شاری یاری... ده‌یه‌ویست خەلکی لەو ڕەنگە نوێیەدا ببینن بەلام...!

خەلکی گوتیان... سلاو پلنگی سوورته‌تی باشی؟

یە کێک گوتی: تکایە بوەسته با پێکەوه وێنەیه‌ک بگرین!

مندالێک بە ڕاکردن هات و گوتی: پلنگ شوولەتی! پلنگ شوولەتی! من تۆم ژۆل خۆش دەوێت، با ماچت بکەم... (درخشانی، ۱۴۰۰: ۴).

ترجمه: پلنگ زرد به شهربازی رفت ... می‌خواست مردم او را در رنگ جدید ببینند. ولی ...!

مردم گفتند: سلام پلنگ صورتی، خوبی؟

یکی گفت: لطفاً بایست تا با هم یک عکس بگیریم!

بچه‌ای با سرعت آمد و گفت: پلنگ شولتی، پلنگ شولتی! من تو را خیلی دوش دالم، بذار ماچت کنم.

این بخش از متن، نشان‌دهنده تمایل او برای دیده شدن و پذیرش در جامعه است. در نهایت، داستان من پلنگی سوررتی نیم به عنوان یک روایت عمیق در مورد هویت شخصی و اجتماعی، یادآوری می‌کند که پذیرش خود واقعی تنها در سایه درک درست از انتظارات اجتماعی و هنجارهای فرهنگی ممکن است. پلنگ صورتی به عنوان نماینده‌ای از نسل کودک، در مواجهه با فشارهای اجتماعی، به دنبال ایجاد هویتی است که نه تنها با نیازهای فردی او بلکه با هنجارهای اجتماعی نیز همخوانی داشته باشد. این تنش‌های درونی و بیرونی، فلسفه‌ای را به تصویر می‌کشد که بیانگر واقعیت‌های پیچیده هویت‌سازی در دنیای مدرن است.

طبق نظریه اریکسون «بحران هویت در دوران کودکی و نوجوانی، امری اجتناب‌ناپذیر است که موجب شکل‌گیری یا تغییر هویت فرد می‌شود» (۱۹۶۸: ۵۴). شخصیت اصلی داستان، پلنگ صورتی، در تلاش است تا هویتی را که جامعه به او تحمیل کرده است، کنار بزند و هویت واقعی خود را بیابد. این تلاش برای تغییر رنگ و ظاهر، نمایانگر جست‌وجوی او برای یافتن خویشتن واقعی است؛ اما با وجود تغییرات ظاهری، همچنان برچسب پلنگ صورتی به او اطلاق می‌شود. این تناقض، نشان‌دهنده پیچیدگی بحران هویت در کودکان است که نمی‌توانند تنها از طریق تغییرات بیرونی به هویت اصیل خود دست یابند.

۳-۳- ناپایداری‌های هویتی در مواجهه با برچسب‌های اجتماعی

برچسب‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر ساختار هویتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری خودپنداره و تعریف هویت اجتماعی کودکان ایفا می‌کنند. این برچسب‌ها، که غالباً بر مبنای ویژگی‌های ظاهری یا انتظارات هنجاری جامعه شکل می‌گیرند، توانایی ایجاد فشارهای روان‌شناختی و چالش‌های هستی‌شناختی را در فرآیند هویت‌یابی دارند. در بسیاری از موارد، برچسب‌های اجتماعی منجر به تضعیف پایداری هویت و شکل‌گیری تضادهای درونی در کودکان می‌شوند؛ چرا که آن‌ها را در تقابل با تصور اصیل خویشتن قرار می‌دهند. داستان من پلنگی سوررتی نیم، نمونه‌ای گویا از تقابل میان هویت اصیل و تحمیلی است که تأثیرات مخرب برچسب‌های اجتماعی را بر فرآیندهای شناختی و عاطفی کودکان بازنمایی می‌کند.

در این بخش، چگونگی تداخل برچسب‌های اجتماعی با فرآیند هویت‌یابی و پیامدهای آن بر ناپایداری هویتی کودکان بررسی خواهد شد. کتاب من پلنگی سوررتی نیم به عنوان یک اثر ادبی کودک، به وضوح نمایانگر تنش‌های هویتی است که از برچسب‌ها و هویت‌های تحمیلی ناشی می‌شود. پلنگ، شخصیت اصلی داستان، در تلاش برای تعریف مجدد خود و فرار از انتظارات اجتماعی، با

چالش‌های متعددی روبرو است. این چالش‌ها بویژه در زمینه هویت شخصی و اجتماعی قابل تأمل است. در ادبیات روانشناسی اجتماعی، مفهوم هویت اجتماعی به وضوح بیانگر چگونگی تأثیر برجسب‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی بر شکل‌گیری خودپنداره است. در داستان، پلنگ به وضوح به این موضوع اشاره می‌کند.

پلنگی زهره سهری سوورما! که می‌ک بیری کرده‌وه و خیرا گه‌رایه‌وه بو مال. له‌به‌ره خو‌یه‌وه گوتی: وه‌ها ناییت! ده‌بیت ره‌نگیکی دیکه تاقی بکه‌مه‌وه. نه‌ها زورچاکه! ره‌نگی شین... (درخشانی، ۱۴۰۰: ۵).

ترجمه: پلنگ زرد تعجب کرد! کمی فکر کرد و فوری به خانه بازگشت. با خود گفت: اینطوری همیشه! باید رنگ دیگری امتحان کنم. آهان خیلی خوبه! رنگ آبی ...

این جملات، نمایانگر حس تنگنا و عدم پذیرش از جانب جامعه است؛ به طوری که فرد احساس می‌کند برای پذیرش باید به انتظارات خاصی پاسخ دهد. به علاوه، تغییر هویت پلنگ به عنوان یک نشانگر از چالش‌های هستی‌شناختی در فرآیند خودیابی تلقی می‌شود. طبق نظریه اریکسون، هویت در مراحل مختلف زندگی بویژه در دوران کودکی و نوجوانی با چالش‌های عمیق‌تری روبروست که ناشی از فشارهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی است. او بیان می‌کند که «جوانان با بحران هویت مواجه‌اند که در آن باید بین خواسته‌های درونی و انتظارات اجتماعی تعادل برقرار کنند» (۱۹۶۸: ۱۴۰). در این راستا، پلنگ در مواجهه با برجسب پلنگی سوورپتی دچار نوعی بحران هویت می‌شود که نشان‌دهنده فشارهای اجتماعی روی اوست. او با وجود تلاش برای تغییر رنگ و نمایاندن خود به عنوان موجودی متفاوت، همواره تحت تأثیر انتظارات محیطی باقی می‌ماند.

از منظر فلسفی، تغییرات هویتی در پلنگی سوورپتی بر مبنای وجود دوگانگی بین خودپنداره فرد و هویت اجتماعی است. فلاسفه وجودی مانند هایدگر و سارتر بر این نکته تأکید دارند که فرد باید در جست‌وجوی حقیقت خود باشد و این جست‌وجو به عنوان بخشی از ذات بشری در نظر گرفته می‌شود (Sartre, 1946: 40). پلنگ، با تلاش برای تغییر و پذیرش خود، در واقع در پی جست‌وجوی هویتی واقعی و مستقل است. او به خوبی نشان می‌دهد که چگونه برجسب‌ها می‌توانند به عنوان موانع در مسیر خودیابی عمل کنند و از این طریق، باعث ایجاد اضطراب و عدم قطعیت در هویت فرد شوند. در داستان، هنگامی که پلنگ می‌گوید:

پلنگی شین رویشت بو یاریگه‌ی فته‌ول... دوو تیم پیکه‌وه کیبه‌ر کییان بوو. تیمی نارنجی و تیمی شین. تیمی نارنجی دوو گول له‌پیشه‌وه بوو. له خوله‌کی هه‌شتاو دوودا یه‌کیک له یاریزانه‌کانی تیمی شین قاجی بریندار بوو. پلنگی شین خیرا رایکرد و

رۆیشتە نێو یارییه کهوه! ئەو له چەن خوله کدا سی گۆلی کرد و تیمی شین یارییه کهی
بردهوه.

یاریزانه کان به خوشحالییهوه پلنگی شینیان ههڵدهدا به‌رهو سه‌ر و هه‌موو پیکه‌وه ده‌یانگوت:
بژی پلنگی سوورته‌ی... بژی... زۆر سه‌یره! خو من ئیدی پلنگی سوورته‌ی نیم!
ئێستا پلنگی شینم! بۆچی ئەوان هه‌ر پیم ده‌لین پلنگی سوورته‌ی؟!
دیرین، دیرین

دیرین دیرین دیرین

دن دن دن (درخشانی، ۱۴۰۰: ۸-۶).

ترجمه: پلنگ آبی به زمین فوتبال رفت ... دو تیم با هم مسابقه داشتند. تیم نارنجی و تیم
آبی. تیم نارنجی دو گل جلو بود. در دقیقه هشتاد و دو یکی از بازیکنان تیم آبی پایش مصدوم
شد. پلنگ آبی فوری رفت و وارد بازی شد! او در چند دقیقه سه تا گل زد و تیم آبی بازی
را برد.

بازیکنان با خوشحالی پلنگ آبی را بلند می‌کردند و همگی با هم می‌گفتند: زنده‌باد پلنگ
صورتی ... زنده‌باد ...
عجیبه! من که دیگه پلنگ صورتی نیستم! الان پلنگ آبی هستم! چرا آنها باز بهم می‌گویند
پلنگ صورتی؟!
دیرین، دیرین

دیرین دیرین دیرین

دن دن دن

این سؤال نه تنها بیانگر تردیدهای وجودی اوست، بلکه تأکیدی بر حس تنهایی و جدایی ناشی از
عدم پذیرش اجتماعی نیز است. این نوع پرسش‌ها در ادبیات روان‌شناسی کودک، نشان‌دهنده
جست‌وجوی کودکانه برای یافتن هویت و معنی در زندگی است. دیمون و هارت نیز به این موضوع
اشاره دارند که «کودکان در تلاش برای شکل‌دهی به خودآگاهی خود، تحت تأثیر برجسب‌های
اجتماعی و فرهنگی قرار دارند» (۱۹۸۸: ۱۱۲). این تحلیل نشان می‌دهد که هویت پلنگ به عنوان
یک کودک، تحت تأثیر فشارهای هستی‌شناختی و روان‌شناختی ناشی از برجسب‌های اجتماعی شکل
می‌گیرد. او در جست‌وجوی خودپنداره‌ای واقعی و مستقل است؛ ولی به دلیل انتظارات اجتماعی و
فرهنگی، با چالش‌های عمیقی روبرو می‌شود که این چالش‌ها در نهایت روی هویت او تأثیر می‌گذارد.
این داستان به روشنی نشان می‌دهد که چگونه عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌توانند در فرآیند

هویت‌یابی کودکان نقش بسزایی داشته باشد و برای شناخت و پذیرش خود واقعی آن‌ها، بویژه در دوران حساس کودکی، ضروری است که این مسائل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

۳-۴- پذیرش و درک خود واقعی در سایهٔ برجسب‌های اجتماعی

پذیرش خود واقعی، به‌ویژه در دوران کودکی، یکی از پیچیده‌ترین جنبه‌های فرآیند هویت‌یابی است. کودکان در مسیری پرفراز و نشیب برای شناخت و پذیرش هویت اصیل خویش با موانعی همچون برجسب‌های اجتماعی و انتظارات هنجاری مواجه می‌شوند. این برجسب‌ها، که غالباً بر اساس معیارهای فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرند، می‌توانند منجر به تضاد میان تصور درونی از خویش و تصویر تحمیلی جامعه شوند. مواجهه با چنین فشارهایی مستلزم برخورداری از مهارت‌هایی چون تفکر انتقادی و خودآگاهی است.

داستان من پلنگی سوررئالیستی نیمه نمودی ملموس از تلاش برای پذیرش خود واقعی در سایهٔ برجسب‌های اجتماعی ارائه می‌دهد. شخصیت اصلی این داستان، در کشاکش میان هویت تحمیلی و تلاش برای یافتن خود حقیقی، درس‌هایی مهم دربارهٔ چگونگی مقابله با انتظارات اجتماعی و بازیابی خود اصیل می‌آموزد. در این بخش، با تأکید بر پیامدهای روان‌شناختی این فرایند، نحوهٔ تعامل کودکان با هنجارهای اجتماعی و راهکارهای فلسفی برای تسهیل پذیرش خود واقعی مورد بحث قرار خواهد گرفت. در روایت من پلنگی سوررئالیستی، مفهوم جست‌وجوی حقیقت هویتی به‌طور عمیق و چندوجهی به تصویر کشیده شده است. پلنگ به‌عنوان نماد کودکی که در معرض انتظارات اجتماعی و هنجارهای فرهنگی قرار دارد، نمایانگر چالش‌های هویتی است که بسیاری از کودکان با آن مواجه هستند.

از این منظر، جست‌وجوی حقیقت هویتی او نمایانگر تلاقی خودآگاهی و شناخت اجتماعی است که به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی در فرآیند هویت‌یابی کودکان شناخته می‌شوند. داستان به‌طور خاص بر تأثیرات برجسب‌های اجتماعی و انتظارات فرهنگی بر هویت کودکان تمرکز دارد. طبق نظریهٔ تاجفل و ترنر (۱۹۷۹)، برجسب‌های اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی دارند و می‌توانند بر ادراک فرد از خویش تأثیرگذار باشند. شخصیت پلنگ صورتی که از برجسب صورتی، ناراضی است، تلاش می‌کند با تغییر رنگ‌های مختلف از این برجسب فرار کند؛ اما جامعه همچنان او را به همان شکل و با همان هویت می‌شناسد. این امر نشان می‌دهد که هویت فردی نه تنها از ویژگی‌های ظاهری، بلکه از تصویری که جامعه از فرد دارد، تأثیر می‌پذیرد. این مسئله موجب سردرگمی و اضطراب در کودک می‌شود و او را در تقابل با انتظارات اجتماعی قرار می‌دهد.

۳-۵- خودآگاهی و تجزیه و تحلیل درونی

خودآگاهی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین هویت‌یابی، نقشی کلیدی در فرایند شناخت و پذیرش خویش ایفا می‌کند. این ویژگی که به توانایی فرد در درک احساسات، افکار و اعمال خویش مرتبط است، به کودکان امکان می‌دهد تا به ارزیابی انتقادی از خویش و جایگاه خود در جامعه بپردازند. در

فرآیند هویت‌یابی، کودکان نیازمند مواجهه با تعارضات درونی و پرسش‌هایی اساسی درباره ماهیت خود هستند. این تعامل درونی به‌ویژه زمانی چالش‌برانگیزتر می‌شود که تحت تأثیر برجسب‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی قرار گیرند.

داستان من پلنگی سوورته‌نی نیم‌نمونه‌ای بارز از فرآیند خودآگاهی و تجزیه و تحلیل درونی را به تصویر می‌کشد. پلنگ صورتی در تلاش برای پذیرش خود واقعی، بارها به تحلیل احساسات و افکار خود پرداخته و با موانع درونی و اجتماعی روبرو می‌شود. این موضوع به‌ویژه در مواقعی که او برای یافتن هویت جدید خود از رنگ‌های مختلف استفاده می‌کند، نمایان می‌شود. در این لحظات، او خود را از درون بررسی می‌کند و دنبال هویتی می‌گردد که نه تنها با انتظارات اجتماعی همخوانی داشته باشد، بلکه به او احساس رضایت و پذیرش بدهد. شخصیت اصلی این داستان در تلاش برای کشف هویت واقعی خویش، بارها به تحلیل عمیق احساسات و افکار خود می‌پردازد و در این مسیر با موانع اجتماعی و فشارهای فرهنگی مواجه می‌شود.

از منظر نظریه اریکسون، این نوع تجزیه و تحلیل درونی در دوران کودکی و نوجوانی، مرحله‌ای ضروری برای دستیابی به هویتی منسجم و پایدار تلقی می‌شود (Erikson, 1968: 139). در این بخش، با تمرکز بر روایت داستان و نظریه‌های روان‌شناختی، به بررسی نقش خودآگاهی در مقابله با هنجارهای تحمیلی و بازتعریف هویت فردی پرداخته خواهد شد. پلنگ در تلاش برای درک هویتی جدید، با چالش‌های درونی و اجتماعی مواجه است. او می‌گوید:

بۆ سبه‌ی رهنگی نارنجی دا له خۆی و پڕۆیشت بۆ سینه‌ما..

- سه‌یه‌ر که‌ن... پلنگی سوورته‌نی هاتوو بۆ سینه‌ما!

من پلنگی سوورته‌نی نیم!

- تۆ پلنگی سوورته‌یت!

من پلنگی نارنجیم!

- نا! تۆ پلنگی سوورته‌یت!

- پلنگی نارنجیم

- پلنگی سوورته‌یت!

- نارنجیم!

- سوورته‌یت!

- نارنجی!

- سوورته‌نی!

- نارنجی!
- سوورتهی!
- ن...ن
- دیرین، دیرین
- دیرین دیرین دیرین
- دن دن دن (درخشانی، ۱۴۰۰: ۱۳).

ترجمه:

برای فردا رنگ نارنجی را به خودش زد و به سینما رفت

- نگاه کنید ... پلنگ صورتی به سینما آمده!

- من پلنگ صورتی نیستم!

- تو پلنگ صورتی هستی!

- من پلنگ نارنجی هستم!

- نه! تو پلنگ صورتی هستی!

- پلنگ نارنجی هستم!

- پلنگ صورتی!

- نارنجی!

- صورتی!

- نارنجی!

- صورتی!

- ن...ن

- دیرین، دیرین

- دیرین دیرین، دیرین

- دن دن دن

پلنگ صورتی در این بخش به روشنی حس انزوا و تردید در هویت خود را نشان می‌دهد و این نوع خودآگاهی، تأثیر بسزایی بر شکل‌گیری هویت دارد. از منظر اریکسون، خودآگاهی به فرد این امکان را می‌دهد که خود را در رابطه با جامعه و انتظارات آن قرار دهد. اریکسون بیان می‌کند: «شکل‌گیری هویت در نوجوانی تحت تأثیر تعارضات اجتماعی و خودپنداره قرار دارد» (اریکسون، ۱۹۶۸: ۱۳۹). به

این ترتیب، خودآگاهی پلنگ نه تنها به او کمک می‌کند تا خود را بشناسد، بلکه او را به تحلیل موقعیت خود در جامعه وادار می‌کند.

۳-۶- فشارهای اجتماعی و برچسب‌گذاری

فشارهای اجتماعی و برچسب‌گذاری یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کودکان در مسیر هویت‌یابی با آن مواجه می‌شوند. این برچسب‌ها، که اغلب بر اساس انتظارات فرهنگی و هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرند، می‌توانند تأثیرات عمیقی بر خودپنداره و ادراک فرد از خویش داشته باشند. برچسب‌گذاری اجتماعی غالباً کودکان را در تقابل با هویت اصیل خود قرار داده و آن‌ها را مجبور به تطابق با انتظاراتی می‌کند که با واقعیت وجودی‌شان همخوانی ندارد. این امر نه تنها به ایجاد تعارضات درونی می‌انجامد، بلکه ممکن است اعتماد به نفس و پایداری هویتی کودکان را نیز تضعیف کند.

در داستان من پلنگی سورپرتی نیم، برچسب‌گذاری اجتماعی به عنوان مانعی برای پذیرش خود واقعی شخصیت اصلی ظاهر می‌شود. این داستان، بازتابی از تأثیرات مخرب هنجارهای تحمیلی و تلاش برای عبور از این فشارها را نشان می‌دهد. بر اساس نظریهٔ تاجفل و ترنر، برچسب‌های اجتماعی می‌توانند به بحران‌های هویتی منجر شوند؛ چرا که افراد در تلاش برای هماهنگی با این انتظارات، از ارزش‌ها و هویت درونی خود فاصله می‌گیرند (Tajfel, 1979: 34). در داستان، فشارهای اجتماعی به عنوان عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری هویت پلنگ عمل می‌کنند. او در مواجهه با فشارهای محیطی برای پذیرش هویتی خاص، تلاش می‌کند تا هویت خود را بازتعریف کند. این بخش به بررسی اثرات برچسب‌گذاری اجتماعی و نقش آن در ایجاد ناپایداری‌های هویتی و چالش‌های روان‌شناختی در کودکان می‌پردازد.

پلنگی زرد سهری سورپما! که می‌ک بیری کرده‌وه و خیرا گه‌پایه‌وه بۆ مال له‌به‌ر خۆیه‌وه
گوتی: وه‌ها ناییت! ده‌ییت ره‌نگیککی دیکه تا‌قی بکه‌مه‌وه. ئه‌ها زۆر چاکه! ره‌نگی شین...

دیرین، دیرین

دیرین دیرین دیرین

دن دن دن (درخشانی، ۱۴۰۰: ۵).

ترجمه: پلنگ زرد تعجب کرد! کمی فکر کرد و فوری به سوی خانه بازگشت و با خود گفت:
این‌طوری نمی‌شود! باید رنگ دیگری را امتحان کنم. آهان خیلی خوبه! رنگ آبی ...

این جمله نشان‌دهندهٔ تلاش برای فرار از برچسب‌های اجتماعی و انتظاراتی است که جامعه بر او تحمیل کرده است. بر اساس نظریه بامایستر، «هویت‌های اجتماعی تحت تأثیر برچسب‌ها و انتظارات فرهنگی شکل می‌گیرند» (۱۹۹۷: ۸۵). در واقع، این تأثیرات اجتماعی می‌توانند به عنوان موانع هویتی

در مسیر خودیابی عمل کنند. پلنگ به خوبی تجسمی از این موانع است که در تلاش است تا فراتر از برجسب‌های تحمیلی از خود حرکت کند و هویت واقعی‌اش را پیدا کند.

۳-۷- فرآیند فلسفی هویت‌یابی

در بُعد فلسفی، جست‌وجوی حقیقت هویتی پلنگ به وضوح، تضاد بین خودآگاهی فرد و هنجارهای اجتماعی را نمایان می‌سازد. فلاسفه وجودی نظیر سارتر تأکید دارند که «انسان، محکوم به آزادی است» (۱۹۴۶: ۴۵) و این بیانگر ضرورت جست‌وجوی هویت مستقل از انتظارات اجتماعی است. در این داستان، پلنگ با انتخاب هویتی متفاوت، به نوعی عمل آزادی و خودشناسی می‌پردازد که در تقابل با هنجارهای موجود است. دیمن و هارت بیان می‌کنند که «کودکان در جست‌وجوی هویت خود باید با برجسب‌های اجتماعی و انتظارات محیطی مقابله کنند» (۱۹۸۸: ۱۱۲). در این راستا، پلنگ در مسیر هویت‌یابی خود، نه تنها به بررسی انتظارات محیطی می‌پردازد، بلکه سعی می‌کند تا با نگاهی انتقادی به این هنجارها، خود را دوباره تعریف کند. این فرآیند بازتعریف هویت، نه تنها نیاز به خودآگاهی دارد، بلکه همچنین به یک درک عمیق از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیازمند است.

در نهایت، جست‌وجوی حقیقت هویتی در پلنگی سوررئالیستی به عنوان یک سفر چندبعدی از خودآگاهی، تعاملات اجتماعی و فلسفه وجودی به خوبی نشان داده شده است. این روایت به ما یادآوری می‌کند که شکل‌گیری هویت در کودکان نه تنها تحت تأثیر عوامل فردی، بلکه به شدت متأثر از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است. تلاش پلنگ برای فهم خود و تعریف هویتی که با آن سازگار باشد، گویای مبارزه‌ای است که بسیاری از کودکان در مواجهه با انتظارات اجتماعی و هنجارهای فرهنگی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

۳-۸- پیامدهای روان‌شناختی هویت‌های تحمیلی و بحران‌های خودپنداره

در داستان من پلنگی سوررئالیستی نیمه پلنگ با چالش‌های هویتی عمیقی روبروست که نشان‌دهنده پیچیدگی‌های هویتی در دوران کودکی است. این داستان به وضوح، بیانگر موانع هویتی است که می‌تواند بر فرآیند پذیرش خود واقعی کودکان تأثیر منفی بگذارد.

۳-۸-۱- جست‌وجوی هویت در میان تضادهای درونی

پلنگ در جست‌وجوی هویت واقعی‌اش با تضادهای درونی مواجه است. این تضادها ناشی از انتظارات جامعه و خواسته‌های درونی اوست. به عنوان مثال، او در میانه داستان می‌گوید: «پلنگی زهره رویشت بوی شاری یاری» (ترجمه: پلنگ زرد رفت به شهر بازی) و در همان حال به حس عدم پذیرش در برابر هویت واقعی‌اش نیز اشاره دارد. این تضادهای درونی می‌تواند به سطوح بالاتری از اضطراب و عدم اطمینان نسبت به هویت خود منجر شود. نظریه روان‌تحلیلی اریکسون نیز بر این نکته تأکید دارد که «جوانان و کودکان در حال تجربه هویت‌سازی، معمولاً با بحران‌هایی در زمینه هویت خود روبرو

هستند» (۱۹۶۸: ۱۴۲). این بحران‌ها به‌خصوص در زمان‌هایی که فرد به دنبال پذیرش از سوی دیگران است، تشدید می‌شود.

۳-۸-۲- تأثیر برچسب‌ها و تعاریف اجتماعی

تأثیر برچسب‌های اجتماعی نیز بر هویت کودکان به‌طور واضحی در این داستان قابل مشاهده است. پلنگ با تغییر رنگ خود به زرد، به دنبال جلب توجه مثبت از سوی دیگران است؛ اما در نهایت متوجه می‌شود که این تغییرات سطحی و غیرواقعی است. در یک بخش از داستان، او به صراحت می‌گوید: «دیرین دیرین، من پلنگی سوررته‌ی نیم» که به وضوح بیانگر بحران هویتی او و تلاش برای پذیرش هویت واقعی‌اش است. طبق نظر بامایستر، «برچسب‌های اجتماعی و انتظارات هنجاری می‌توانند به بحران‌های هویتی منجر شوند و احساس خودپنداره را در کودکان تحت تأثیر قرار دهند» (۱۹۹۷: ۲۵۰).

۳-۸-۳- پیامدهای روانشناختی

نتایج این موانع هویتی نه تنها بر هویت فردی بلکه بر سلامت روانی کودکان نیز تأثیرگذار است. فشارهای اجتماعی و برچسب‌گذاری می‌توانند سطوح بالاتری از اضطراب و افسردگی را با خود به همراه داشته باشند. به عنوان نمونه، کودکان ممکن است احساس انزوا یا عدم تعلق به گروه‌های اجتماعی را تجربه کنند که این امر می‌تواند در بلندمدت به مشکلات روانی و عاطفی جدی‌تری منجر شود (دیمون و هارت، ۱۹۸۸: ۳۱۲). در نهایت، موانع هویتی و چالش‌های وجودی در مسیر پذیرش خود واقعی، موضوعاتی کلیدی در فهم فرآیند هویت‌یابی کودکان هستند. داستان من پلنگی سوررته‌ی نیم به خوبی این مسائل را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که چگونه فشارهای اجتماعی و انتظارات فرهنگی می‌توانند بر شکل‌گیری هویت کودکان تأثیرگذار باشند. به‌منظور تقویت خودپنداره و پذیرش هویت واقعی، نیاز به ایجاد فضاهایی حمایتی و تشویق به تفکر انتقادی در کودکان وجود دارد.

۴- نتیجه‌گیری

بر اساس داده‌های این پژوهش می‌توان گفت: هویت در کودکان نه تنها یک ویژگی فردی بلکه پدیده‌ای پیچیده و تأثیرپذیر از عوامل اجتماعی، فرهنگی و فلسفی است. نتایج این پژوهش تأکید می‌کند که تعاملات اجتماعی و انتظارات فرهنگی، نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت کودکان ایفا می‌کنند و آن‌ها به‌عنوان موجوداتی اجتماعی، همواره در فرآیند بررسی و بازاندیشی موقعیت خود در میان دیگران هستند. تحلیل داستان به ویژه بر چالش‌های فلسفی مرتبط با پذیرش خود در برابر انتظارات اجتماعی و هنجارهای فرهنگی تمرکز داشت. شخصیت اصلی داستان، پلنگ صورتی، در کشمکش بین هویت اصیل خود و هویتی که جامعه بر او تحمیل می‌کند، دچار تضاد است؛ این تضاد می‌تواند منجر به بحران هویت و احساس عدم تعلق شود. برچسب‌هایی که بر اساس ویژگی‌های

ظاهری، فرهنگی یا اجتماعی به کودکان نسبت داده می‌شوند، می‌توانند تأثیر عمیقی بر خودپنداره آن‌ها بگذارند. شخصیت پلنگ صورتی نیز در داستان به طور مداوم تحت فشار است تا مطابق با انتظارات جامعه رفتار کند، وضعیتی که می‌تواند به شکل‌گیری هویتی ناپایدار و حتی احساس بی‌هویتی منجر شود.

سومین نتیجه این پژوهش، به جست‌وجوی حقیقت هویتی در کودکان و اهمیت فرآیندهای خودآگاهی و شناخت اجتماعی در این زمینه اشاره دارد. در داستان، تلاش پلنگ صورتی برای پذیرش هویت واقعی خود نشان می‌دهد که چگونه آموزش فلسفه به کودکان می‌تواند آن‌ها را در این مسیر یاری کند. چهارمین نکته، بررسی موانع هویتی و چالش‌های وجودی در مسیر پذیرش خود واقعی است. کودکان با فشارهای اجتماعی و انتظاراتی مواجه‌اند که این عوامل می‌توانند منجر به ایجاد خودپنداره‌های منفی شوند. فهم و تحلیل این موانع می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی کمک کند که با هدف تقویت هویت مثبت و افزایش توانایی کودکان در مقابله با فشارهای اجتماعی تنظیم شده‌اند. برنامه‌های آموزشی مبتنی بر فلسفه نیز می‌توانند ابزارهای مؤثری برای مدیریت این چالش‌ها فراهم کنند. به‌طور کلی، این پژوهش، نشان می‌دهد که هویت شخصی و اجتماعی، فرایندی پویا و چندبعدی است که به‌شدت تحت تأثیر تعاملات اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. به منظور تقویت هویت سالم و پایدار در کودکان، نیاز به رویکردهای آموزشی و فلسفی است که علاوه بر آگاهی از هویت فردی، به آن‌ها امکان می‌دهد تا به طور مؤثر در جهان پیچیده اجتماعی و فرهنگی خود عمل کنند. ایجاد فضایی که در آن کودکان بتوانند خود را ابراز کنند و تجربه‌های متفاوت بیاموزند، می‌تواند به رشد هویتی مثبت در آن‌ها کمک کند. در این راستا، همکاری میان خانواده، مدرسه و جامعه بویژه اهمیت دارد و می‌تواند به شکوفایی هویت اجتماعی و فردی کودکان کمک شایانی کند.

منابع

حسینی، وجیهه؛ صنعت‌جو، اعظم؛ شریف، عاطفه؛ امین‌یزدی، سید امیر (۱۳۹۸). «واکاوی انواع هویت در داستان‌های نوجوانان بر اساس نظریه اجتماعی اریکسون». *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ۵۳(۲)، ۳۲-۱۳.

خادمی، الهام؛ آباد، مرضیه؛ مهدوی، محمدجواد؛ کرمانی، مهدی (۱۴۰۲). «خوانش تطبیقی بازتاب هویت در رمان نوجوان عربی و فارسی بر اساس نظریه اریک اریکسون (مطالعه موردی: فتن و هستی)»، *زبان و ادبیات عربی*، ۱۵(۳)، ۷۸-۶۰.

دره‌خشانی، زانیار (۱۴۰۰). *من پلنگی سوورستی نیم*. مریوان: نه‌وین.

عبدلی، سارا؛ یوسف فام، عالیہ؛ خمسه، شروین (۱۴۰۳). «چگونگی شکل‌گیری هویت کودک و نوجوان در داستان‌های کودکانه «محمدحسین محمدی» براساس دیدگاه «اریکسون» و «گیدنز»»، *مطالعات ادبیات کودک*، ۱۵ (۱)، ۱۶۵-۱۳۷.

قائدی، یحیی و سلطانی، سحر (۱۳۹۰). «فلسفه ویتگنشتاین و برنامه فلسفه برای کودکان (P4C)». *تفکر و کودک*، ۲ (۱)، ۹۱-۱۰۷.

قرائی، زهره و شب‌انگیز، شیرین (۱۴۰۱). «رویکردی فرهنگی به هویت در ترجمه ادبیات نوجوان: مطالعه موردی رمان خورشید هم یک ستاره است». *مطالعات ادبیات کودک* ۱۳ (۲)، ۲۴۵-۲۷۲.

مهربان، آرش و عرب یوسف آبادی، فائزه (۱۴۰۲). «تحلیل گفتمان بوم‌گرایانه ادبیات کودک و نوجوان مطالعه موردی (نویسک له سهر ئاو، سیمرغ پدرنرگ من بود)». *تحلیل گفتمان ادبی* ۱۱۰، ۱ (۳)، ۸۷-۱۱۰.

نوروزی، وریا؛ ادیب، یوسف؛ یاری حاج عطالو، جهانگیر؛ بدری گرگری، رحیم (۱۴۰۳). «تحلیل محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس معیارهای برنامه آموزش فلسفه به کودکان با جهت‌گیری آموزش چندفرهنگی». *تفکر و کودک*.

Baggini, J. (2004). *The Pig that Wants to be Eaten and 99 Other Thought Experiments*. New York: Plume.

Bagley, C., & Verma, G. K. (1979). *Racial Prejudice, Children and Schools*. London: Routledge.

Berk, L. E. (2006). *Child Development*. Boston, MA: Pearson.

Damon, W., & Hart, D. (1988). *Self-understanding in childhood and adolescence*. Cambridge: Cambridge University Press.

Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and Crisis*. New York, NY: W. W. Norton & Company.

Ferguson, L., & Philip, L. (2011). *Social Identity Theory and Philosophy for Children: New Challenges in Education*. Oxford: Blackwell.

Gorard, S., Siddiqui, N., & See, B. H. (2004). *Philosophy for Children: Enhancing Thinking Skills in Children*. London: Sage.

Gregory, M. (2004). "Philosophy for Children and Its Potential Role in Education". *Thinking*, 17(4), 15-22.

Lipman, M. (1980). *Philosophy for children*. New York: Educational Publishing.

Lipman, M. (2003). *Thinking in Education*. Cambridge University Press.

Ricoeur, P. (1992). *Oneself as Another*. Chicago: University of Chicago Press.

Schmitt, M. T., & Branscombe, N. R. (2002). "The influence of social identity on the experience of depression in adolescents". *Journal of Youth and Adolescence*, 31(1), 19-26. <https://doi.org/10.1023/A:1014084705572>

Smith, J. A., & Smith, L. C. (2015). "Identity and self-concept: An empirical study. Identity: An International". *Journal of Theory and Research*, 15(2), 125-136. <https://doi.org/10.1080/15283488.2015.1015131>

- Tajfel, H. (1981). *Human Groups and Social Categories*. Cambridge University Press.
- Baumeister, R. F. (1997). *The self and social identity*. Oxford: Oxford University Press.
- Tajfel, H., & Turner, J. C. (1979). *An integrative theory of intergroup conflict*. In W. G. Austin & S. Worchel (Eds.), "The social psychology of intergroup relations" (pp. 33–47). Monterey, CA: Brooks/Cole.
- Baumeister, R. F. (1997). "The self and social identity". In R. F. Baumeister (Ed.), *The self in social psychology* (pp. 68-97). New York, NY: Psychology Press.
- Tajfel, H., & Turner, J. C. (1986). "The social identity theory of intergroup behavior". In S. Worchel & W. G. Austin (Eds.), *Psychology of intergroup relations* (pp. 7-24). Chicago, IL: Nelson-Hall.